

کمال‌الدین عینی

کلیات صدرالدین عینی و احیای لغتنامه او «لغت نیم‌تفصیلی تاجیکی برای زبان ادبی تاجیک»

«اکنون من نمی‌دانم که با این «راهِبران زبان تاجیکی» چه کار کنم. آنها زبان ادبی کلاسیکی را نمی‌فهمند و زبان زنده خلق را ندانند و مجبور کنند که «چیزی نویس که من فهمم. در این صورت وای بر حال من و مانند من!» (از نامه ص. عینی به استاد ابوالقاسم لاهوتی. نک: «صدای شرق»، ۱۹۶۲، شماره ۱۲، ص. ۹۴).

پس از وفات استاد صدرالدین عینی، مسئله نشر کلیات آثار به میان آمد و به این جهت از طرف حکومت جمهوری تاجیکستان قرار مخصوصی صادر شد. به هدف در بر گرفتن همه نوشته‌های ص. عینی در تهیه کلیات، همچنین برای در سطح علوم زمانه قرار دادن این فعالیت، لازم شد که در نوبت اول بایگانی فراوان نویسنده از همین نظر بررسی شود. آنگاه در ظرف دو سال بایگانی ص. عینی با دقت مورد بررسی قرار گرفت. در نتیجه مواد موجود از آثار مهم نویسنده، تغییر دادن طرح اولیه کلیات را تقاضا نمود: موافق نقشه اول می‌بایست که کلیات ص. عینی در ۱۰ جلد تنظیم و چاپ شود. اکنون بررسی بایگانی ص. عینی همان نکته را ثابت کرد که اگر کلیات از ۱۰ جلد عبارت گردد، ما باید یک راه را پیش گیریم، یعنی فقط یک بخش تألیفات را به طرز برگزیده آثار ادب و پژوهش در ۱۰ جلد گنجایش دهیم و با همین، به اقدام نیک در باب نشر آثار ص. عینی تا زمان نامعلوم آینده خاتمه دهیم. در آن صورت ما راه ساده‌ترین اجرای دستور دولتی را عملی می‌نمودیم که البته جوابگوی هدف اساسی نمی‌توانست باشد. به همین جهت اتحادیه نویسندگان تاجیکستان و هیئت تحریریه

کلیات (هئیت مشورتی نشری) طرح تازه‌ای را پسندیدند، یعنی آثار بنیانگذار ادبیات نو تاجیک و نخستین رئیس آکادمی علوم تاجیکستان را نه این که در ۱۰ کتاب، بلکه تقریباً در پانزده جلد به طبع رسانیم که بر مینا و اساس سبک و قانون‌های رشتهٔ متن‌شناسی زمان یعنی بر اساس منابع و دست‌خط‌های معتمد مؤلف یا بر اساس نسخهٔ زمان مؤلف تهیه گردیده، در سطح علمی قرار گرفته باشد. این بود که در کلیات ص. عینی در کنار رمانها، آثار علمی است که برای خواننده بار اول دسترس گردیدند. زیرا یک بخش بزرگ نوشته‌های روزنامه‌نگاری ص. عینی در سال‌های ۲۰-۳۰ در مجله‌ها و روزنامه‌های تاجیکی با امضاهای مستعار انتشار یافته بودند و حالا اولین بار با نام صدرالدین عینی چاپ می‌شوند. مثلاً یک سلسله مقاله‌های ص. عینی با امضاهای «ص. م»، «ک. ص»، «ص. خ»، «ص»، «خ»، «ق. ع»، «ص. ق»، «ص. ع» در مجلهٔ تاجیکی «شعلهٔ انقلاب» به طبع رسیده بود که بار اول بر اساس قیدهای خود نویسنده در جلد ۹ کلیات گردآوری و درج گردید.

در بارهٔ ترتیب کلیات نیز ذکر این نکته لازم است که با هدف آسان گردانیدن راه استفاده از جلد‌ها، به غیر از تاریخ تألیف، جهت موضوع‌های اساسی تألیفات ص. عینی نیز به نظر گرفته شده است. به همین دلیل می‌توان گفت که همهٔ نوشته‌های تاجیکی ص. عینی (به غیر از مقاله‌های مجلهٔ «آینه» که برای جلد ویژه پیش‌بینی شده)، طبق تاریخ نوشته شدن مقاله‌ها، در یک کتاب مرتب گردید. یا جلد ۱۰، صرف نظر از وقت نوشته شدنشان، تألیفات مربوط به تاریخ را در بر گرفته است. جلد ۱۱ آثار ادبیات‌شناسی و زبان‌شناسی ص. عینی، به دلیل نهایت زیاد بودن آنها به خواست تحقیق‌کنندگان به ۲ قسمت (کتاب ۱ و ۲) جدا کرده شد.

از مشکلات ترتیب و تهیهٔ جلد‌های مستقل باید گفت که در ارتباط با به دست آوردن مواد یک بخش از نوشته‌های ص. عینی است. از آثار سال‌های ۲۰-۳۰، ۳۶-۳۸ نویسنده - چه نظم، چه نثر و تحقیقات - نه اینکه در بایگانی نویسنده وجود ندارد (دستنویسهای مؤلف بعضاً در شرایط مختلف از بین رفته‌اند، ولی گاه نسخه‌های چاپی و یا خطی آنها را می‌توان در کتابخانه‌های شهرهای

آسیای میانه پیدا کرد). تهیه علمی مواد گوناگون برای چاپ، توضیحات نامها، وقایع تاریخی، لغت و عبارها، اشاره‌ها و غیره، جستجوی آرشیوهای دولتی و خصوصی، نیاز به سالهای طولانی بررسی بود. یکی از جلدهای دشوار کلیات، جلد ۱۲ به شمار می‌رود که لغتنامه عینی «لغت نیم‌تفصیلی تاجیکی» ایشان است. تهیه علمی این جلد، مانند جلد‌های ۸ و ۹ جستجوی علمی و بررسی دقیق چندین ساله را طلب نمود.

سالهای ۱۹۵۴-۱۹۵۶ در بین دستخط‌های آرشیو شخصی ص. عینی، یک دسته مسوده از کارهایی که در طی سالهای طولانی برای تألیف لغت‌نامه تاجیکی انجام داده بود، پیدا شد. در نتیجه جستجو و بازبینی آرشیوهای دیگر آشکار گردید که نسخه اصلی دستنویس لغت‌نامه که سال ۱۹۳۸ به نشریات دولتی تاجیکستان سپرده شده بود، از بین رفته، ورقه‌های با نسخه اصل تطبیق و تصحیح شده آن نیز که همان وقت برای تقریظ و تحریر به پروفیسور ا.ا. برتلس به شهر لنینگراد (سنت‌پترزبورگ) فرستاده شده بود، از بایگانی وی گم شده است. ولی خوشبختانه بخش اساسی نسخه دوم که به القاب لاتینی برگردانده شده بود، به صورت تصحیح و تحریر نشده و با اصل دستخط مؤلف مقایسه نگردیده، در بایگانی لغت‌سازان انستیتو زبان و ادبیات رودکی تاجیکستان یافت شد که از سالهای جنگ آلمان باقی مانده بود. با این همه، یکی از مشکلات جدی که همیشه در پیش نظر داشتیم، حجم واقعی لغت‌نامه و به چه اندازه کامل باقی ماندن آن را از روی ورقه‌های لاتینی نیز دقیقاً روشن کردن ناممکن بود، هر چند می‌شود گفت که این ورقه‌ها یقیناً بیشتر حجم لغت‌نامه را تشکیل می‌دهد.

در باره حجم حقیقی لغت‌نامه، مؤلف در کتاب «مختصر ترجمه حال خودم» در سال ۱۹۴۹ چنین نگاشته است: «از سال ۱۹۳۶ تا سال ۱۹۳۸ یک لغت‌نامه (زبان ادبی تاجیک را طیار کردم که ۱۵۰۰۰ لغت دارد» (نک: کلیات، جلد ۱، ص ۹۹). به همین ترتیب، چون نسخه کامل لغت‌نامه ص. عینی را در دست نداریم، دقیقاً معلوم نیست پس از آخرین تحریر، مؤلف بر لغت‌نامه‌اش چه عنوانی گذاشته است. فقط در یکی از ورقه‌های مسوده که در آرشیو ص. عینی

باقی مانده، این اثر «لغت نیم تفصیلی تاجیک برای زبان ادبی تاجیک» نامیده شده است. به همین سبب، این اثر پرارزش که برای آموختن ادبیات کلاسیک و زبان ادبی ما تألیف گردیده است، با همین عنوان انتشار یافت.

مسئله دشوار تهیه علمی لغت نامه چنین است. از آنجا که نسخه کامل لغت نامه را در دست نداریم، شورای مشاوران (تحریریه) پیشنهاد نگارنده را که یگانه راه تهیه علمی این لغت نامه بود، پسندید. تکمیل این لغت نامه فقط یک راه داشت. راه استفاده از تذکرات ص. عینی، تذکرات لغوی و معنوی، توضیحات نکته‌های نازک که در آثار نویسنده جا جا دیده می‌شوند و دقیقاً سنجیدن و مقایسه تمام مواد با فرهنگهای کهن فارسی - تاجیکی. به این جهت، کار تکمیل و تهیه علمی لغت نامه تاجیکی ص. عینی در چند مرحله انجام یافت.

نخست برگردان برگه‌های پیداشده لغت نامه از خط لاتینی به سریلیک و نسخه برداری آنها به خط فارسی تاجیکی که با کوشش کمیته و تصحیح دانشمند واقعی فرهنگ کلاسیکی ما، داملا ودود محمودی سازمان داده شد.

سپس از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۵ بایگانی دوشنبه، تاشکند، سمرقند و لنینگراد بررسی شد. مواد به دست آمده که به الفبای امروزه سریلیک برگردانده شده بود، مقایسه و سنجیده شدند و از اول تا آخر، مخصوصاً در موارد ناروشن و مشکوک، لازم بود تا به فرهنگهای موجود کلاسیکی فارسی تاجیکی مراجعت شود. در کنار این، از چندین اثر ص. عینی و چاپهای آثار کلاسیکان که ایشان تهیه کرده‌اند و یا از زیر دست ایشان گذشته است («رودکی»، «فردوسی»، «ابن سینا»، «لیلی و مجنون» نظامی، «بوستان» سعدی، «حافظ»، «بیدل» اثرهایی که در جلد های ۱، ۳، ۴، ۶، ۷ کلیات آمده‌اند. «یادگار»، «جنگ آدم و آب» لغت و توضیح مؤلف جمع‌آوری شد. این قسمت کار که نیز با کوشش ترتیب‌دهنده، ک. عینی انجام شده بود، از طرف خ. رثوفاف در مرحله دوم کار تکمیل گردید.

همچنین قرار شد کار افزودن کلید فارسی - سریلیک به لغتنامه ص. عینی و در مرحله دوم جمع‌آوری مابقی لغت‌ها از آثار ص. عینی و به ترتیب درآوردن تمام مواد از نظر شیوه لغت‌سازی زمان، به عهده تهیه کننده دوم جلد ۱۲ (لغتنامه) جوان خوشکار صاحب تیراف گذاشته شد که وی از سال ۱۹۶۶ تا سال ۱۹۶۹ این قسمت کار را انجام داد. نظارت جریان چاپ کتاب در مرحله آخر به عهده رحیم هاشم واگذار گردید. به همین طریق، تمام کارهای علمی مربوط به مواد لغتنامه تاجیکی ص. عینی تهیه، تکمیل، تحریر و بررسی لغت‌نامه در شورای علمی انستیتو زبان و ادبیات رودکی آکادمی علوم جمهوری سوسیالیستی تاجیکستان (۱۱ ماه مارس سال ۱۹۶۹) سر وقت و به خوبی به اتمام رسانیده شد و همان سال لغت‌نامه در ۱۲۰۰ صفحه حروف چینی و به انتشارات «عرفان» برای چاپ سپرده شد و در نهایت در عرفة جشن بزرگ جمهوری تاجیکستان، لغتنامه ص. عینی در سلسله جلد‌های کلیات استاد دسترس خوانندگان گردید.

اکنون لازم است که به چگونگی مسوده‌های لغت‌نامه تاجیکی ص. عینی توقف نماییم. بررسی کمینه نشان داد که مسوده‌های لغت ص. عینی از ۳ گروه عبارت بوده، در یک بسته کاغذی از روزنامه «Тоҷикистони советӣ» (تاجیکستان شوروی) (۲۹ ژوئن سال ۱۹۳۸) قرار دارند. در بالای این بسته با خط ص. عینی نوشته شده است: «به مسوده‌های لغت تاجیکی دخل‌دار است». این مسوده‌ها که در کاغذ خیلی عادی آن سالها به اندازه تقریباً ۵، ۳۰ x ۲۵ سانتی‌متر نوشته شده‌اند و سند یگانه از تحقیقات و بررسی‌های مؤلف در باب تألیف نخستین لغت تفصیلی تاجیکی در دوران پس از انقلاب اکتبر است.

یک بخش از مسوده‌ها از ۷ ورق عبارت بوده، نمونه آغاز کار مؤلف می‌باشد، زیرا در این ورقه‌ها در کنار برخی یادداشتهای توضیحی، بیشتر کلمه‌های نادر و به اصطلاح «دو پهلو» ذکر شده‌اند که بعضاً به منبع اشاره می‌رود و بعضی به مثال و شاهد. یکی از قیده‌های این بخش چنین است:

«لغت‌هایی که معنایشان دیگر شده است: سفته، پاغنده، پارینه، پایگاه، بر بست، به روی دویدن، ازار دیوار، ازاره، سفیدپا».

یک نمونه دیگر مسوده آغاز کار لغت‌نامه: «آب به دست کسی ریخته نتوانستن : ۱ - به خدمتگاری او سزاوار نبودن؛ ۲ - در یگان صفت خوب از وی بسیار پست بودن (در این معنی سلیم گفته:

بیا، زاهد که در ساغر شرابی هست رندان را

که کوثر آب نتواند به دست تاک او ریزد

«آبگردش - بیماری است که به سبب دگرگونی آب و هوا پیدا می‌شود (در این

معنی گفته شده است:

دارد به بزم مستان جام شراب گردش زاهد نیاید اینجا از بیم آبگردش)

بخش دیگر مسوده‌ها از ۱۹ ورق عبارت بوده، صفحاتی هستند که از روی آنها برای

آخرین نسخه پاک‌نویس شده‌اند (۷، ۱۷، ۷۱، ۷۰، ۶۳، ۶۸، ۶۹، ۵۹، ۷۲، ۷۴، ۷۹، ۹۴، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۴۰، ۳۳۹ و یک ورق بی‌رقم). این قسم ۱۹ ورقه طرز کار مؤلف را در مرحله آخر و چگونگی دست‌نویس لغت‌نامه را به ما نشان می‌دهد که آن را مؤلف پس از ۵ ژوئیه سال ۱۹۳۸ به نشریات دولتی تاجیکستان ارسال نموده بود.

بخش سوم مسوده‌ها عبارت از ۲ تحریر دیباچه مؤلف است که وی برای لغت‌نامه نوشته

بود. در پشت ورق یکی از آنها که تحریر اول است قید شده: «مسوده سرسخن لغت تاجیکی». در

پشت تحریر دوم دیباچه - «تبیض شده سرسخن» یعنی: سرسخن پاک‌نویس شده.

در سرسخن، مؤلف شیوه کار خود، منابع اساسی اثر، هدف و مقصد تألیف و

مخاطبان آن، همچنین مشکلات زبان‌آموزی و نیاز مردم تاجیک را به چنین لغت‌نامه تحقیقی و

لازم بودن لغت‌نامه و فرهنگ‌های اختصاصی و عمومی سیاسی، اقتصادی، فنی و علمی در زمان نو

را به تفصیل توضیح داده است. چنانکه از سرسخن مؤلف برمی‌آید، وی برای آموزش ادبیات

کلاسیکان جداگانه قید و تأکید نموده، برای انجام دادن این وظیفه پرشرف به معنای کامل، زبان‌دان شدن جوانان و اهل علم و ادب را آرزو می‌کند. یعنی ص. عینی می‌خواهد که گذشته ادب ما به زبان امروزه جوانانمان خدمت کند. برای همین، ارزش علمی، فرهنگی، ملی و سیاسی لغت‌نامه تاجیکی ص. عینی را به نظر گرفته، لازم دانستیم که بخشی از سرسخن لغت را که اهمیت نظری هم دارد، به خواننده زمان دسترس نماییم و بخشی از متن سرسخن لغتنامه را از روی تحریر دوم نسخه «تبیض‌شده سرسخن» در پائین درج نماییم.

پروفیسور ا.ا. برتلس که این لغت‌نامه به سال ۱۹۳۸ جهت تقریظ و تحریر برای وی فرستاده شد، پس از مطالعه دستنویس، برخی ملاحظه‌های خود را برای مؤلف بیان کرده است. از سرسخن ص. عینی: «... امروز ما برای وسیع کردن زبان علمی و ادبی تاجیک، چنان که ترقیات امروزه‌مان طلب می‌کند و برای فهمیده خواندن عامه باسواد شده تاجیک و جوانان تحصیل‌دیده و تحصیل‌دیده ایستاده ادبیات نفیسه را به کتاب‌های لغت گوناگون محتاجیم؛ امروز ما باید برای هر فن، لغت‌های جداگانه و برای تأمین کردن طلب جوانان بادانش‌شده ایستاده تاجیک قاموس‌هایی داشته باشیم؛ اینچنین، ما باید کتاب‌های لغت داشته باشیم که به واسطه آنها جوانان از ادبیات نفیسه کلاسیکی سود برند و نیز کتاب‌هایی داشته باشیم که با واسطه آنها جوانان به خزینه زبان زنده تاجیک راه یابند و اینچنین این کتاب‌های لغت باید زبان زنده خلق را پیش کارکنان علمی و ادبی تاجیک مثل یک ماتریال طیار کرده ماند...»

اما ما با این همه احتیاج‌های گوناگون در دست خود یک کتاب لغت تاجیکی هم نداریم. از کتاب‌های لغت کهنه «غیاث‌اللغات» و «برهان قاطع»، یک چند کتاب با نسخه‌های بسیار کم در بین مردم و یا در کتابخانه‌های دولتی باشند هم، آنها به ضم اینکه به احتیاج امروزه‌مان به هیچ وجه کفایه نمی‌کنند، از آنها سود بردن جوانان هم هرگز ممکن نیست، زیرا: ۱- از نیمه زیادتر مندرجات آنها مرده و از استعمال برآمده رفته‌اند و اینچنین قسمی از آنها معنی‌های در آن کتابها بیان یافته خود را گم کرده‌اند و در ادبیات امروزه تاجیک و در زبان زنده تاجیک معنی‌های دیگر پیدا کرده‌اند؛ ۲ -

آنها با الفبای عرب و با ترتیب الفبای عرب نوشته شده‌اند که جوانان نوس ما از آنها سودی برده نمی‌توانند؛ ۳- ترتیب بیان آنها چنان بی‌ترتیب و ویران و نشان دادنشان حرکت‌های حرف‌های کلمه را چنان پیچ در پیچ است که اگر کسی، به شرط دانشش الفبای عرب را از آنها یگان لغت را یافته دیدن خواهد، باید یک ساعت وقت صرف کند... وقتی که من ترتیب دادن این «لغت نیم‌تفصیلی زبان ادبی تاجیکی» را نیت کردم، ادا کردن یک قسم خرد آن احتیاج‌هایی را که در بالا نام برده شدند، به خود مقصد کرده گفتم. من خواستم به عامه محنتکشان باسوادشده تاجیک و جوانان تحصیل ابتدایی، میانه و عالی دیده‌ او کتابی دهم که برای مطالعه آنها ادبیات نفیسه ساویتی تاجیک را و هم برای سود بردنشان از ادبیات کلاسیکی فارس- تاجیک کم هم باشد، به آنها یارمندی رساند و اینچنین برای جوانان هوسکار نویسندگی قسماً هم باشد، خدمت ماتریالی زبانی را ادا کند.

بنابر این مقصد، من در این کتاب یک خل (نوع) لغت‌هایی را در آوردم که آنها برای فایده بردن از ادبیات کلاسیکی یاری می‌دهند. یک خل دیگر لغت‌ها را در آوردم که آنها برای فهمیده خواندن ادبیات نفیسه امروزه ضرورند و اینچنین یک خل لغت‌هایی را غون (جمع) کردم که آنها از خزینه زبان زنده امروزه تاجیک بوده، تا به حال به جایی غون نگردیده و در نوشته‌جات کار فرموده نشده‌اند، یا این که بسیار کم کار فرموده شده‌اند و بعضاً در معنی‌های خطا به کار برده شده‌اند. این قسم لغت‌ها بیشترین برای آن کسانی لازمند که هوس نویسندگی یا اینکه ژورنالیستی دارند، اما زبان زنده را کمتر می‌دانند.

اگر ما مندرجات این کتاب را که بیشتر از یازده هزار لغت است، به خل‌های در بالا نامبرشده جدا کرده نشان دهیم، تقریباً به همین نتیجه می‌آییم: ۵۰ درصد این لغت‌ها از زبان زنده خلق تاجیکند که تا به حال در کتابی غون کرده نشده‌اند و پنجاه درصد دیگرشان از کتابهای لغت و ادبیات گرفته شده‌اند؛ نیمه این پنجاه در صد در آخر آن لغت‌هایی‌اند که برای فایده بردن از ادبیات کلاسیکی تاجیک در کار می‌شوند و نیمه دیگرش آن لغت‌هایی است که فعلاً به ادبیات نفیسه امروزه تاجیک کار فرموده شده ایستاده‌اند، اما معناهای آنها به عامه نوسوادان و جوانان نوس روشن نیستند.

با این همه، بعد از خوانده برآمدن آن، بعضی شبهه‌ها پیدا شد که می‌خواهم شما را از آن اطلاع بدهم. رفیق زنگیر گفته بود که من باید این کتاب را تحریر کنم. به نظرم این تحریر از طرف من غیر از رفع کردن غلط‌های چاپی هیچ چیزی دیگر نخواهد بود. آنچه شما نوشته‌اید، من باید فقط تصدیقش کنم که در اینجا البته هیچ جای اعتراض نیست. ولی می‌خواستم بگویم که این شبهه‌ها عبارت از چیست: در لغت شما با آن همه ثروت که دارایی آن است، کلمه‌های ساوتی و ایترناتسیونالی هیچ یافته نمی‌شود. اگر چه من شاید سببش را می‌فهمم، ولی می‌ترسم که اگر این کتاب در همان شکل حاضرش از چاپ می‌برآید، بعضی تقلیدچیان موشکاف یک هالی و هویی خواهند برآورد که آن سرش ناپیدا خواهد بود. خواهند گفت که شما مخالف داخل کردن چنین کلمه‌ها در زبان ادبی تاجیک هستید و دیگر همین خل مزخرفات. اگر چه شما البته، می‌توانید به چنین تقلیدچیان یک جواب قطعی بدهید، ولی به نظرم از این قسم گفتگوها هیچ کس را خوشش نمی‌آید. از این سبب من فکر کردم که باشد راهی پیدا کرده شون تا برای چنین اعتراضات دیگر راه داده نشود.

شاید ممکن می‌بود یک لغت اجتماعی-سیاسی گرفته از آن کتاب لغت شما تکمیل کرده شود؟ ما می‌توانیم برای یک متخصص سپارش کنیم که مهمترین اصطلاحات روسی از یک لغتچه سیاسی روسی انتخاب کند، با شرح آن اصطلاحات به زبان روسی. بعد از آن این همه لغت‌ها را با شرح آن یک مترجم زبردست از قبیل اولوغ‌زاده به زبان تاجیکی ترجمه کند. این کلمه‌ها برای شما فرستاده خواهد شد و اگر شما به داخل کرد آن به کتاب شما رضایت دهید، آن وقت به کتاب علاوه کرده شود.

تصور می‌کنم که در این صورت هیچ کس یارای آن نخواهد داشت که چیزی بر خلاف این کتاب بگوید. این نظر من است که خیلی میل دارم عقیده شما (را) در باره آن بدانم. باید تکرار کنم که خود من البته، به هیچ وجه چنین جسارتی ندارم که برای شما، استاد دانشمند محترم، یک پیشنهاد و یا چیزی مثل آن کنم. من فقط خواهش می‌کنم که این اثر پر بها زودتر چاپ شود و هیچ کس نتواند مانع چاپش شود.

خیلی معذرت می‌خواهم که با این کاغذ دور و دراز به چنین زبان خراب نوشته، وقت گرانمایه شما را ضایع می‌کنم، ولی مسئله چاپ این کتاب به نظرم یک مسئله خیلی مهم می‌باشد، چون که این کتاب البته یکی از مهمترین وسایل پیشرفت ادبیات تاجیک خواهد شد. من توانستم خودداری کنم و می‌خواستم رأی شما را در این باره بدانم.

با سلام صمیمانه و خواهش‌های عافیت و سلامتی، دوست مخلص شما ا. برتلس

۱۹۳۹/۴/۲۳